

# نقد و بررسی

در ایران نقد به شکل امروزی خود با ظهور نشریات ادواری طی یک قرن اخیر مطرح شده و اولین نمونه‌های نقد را در مجلاتی چون ارمغان (۱۲۹۸)، ایرانشهر (۱۲۹۶)، آینده (۱۳۰۴) و نظایر آن می‌بینیم. در سال‌های اخیر با شکل‌گیری مجلاتی چون نشر دانش، نقد آگاه، بخارا، مجموعه نشریات کتاب ماه، جهان کتاب و نشریاتی از این دست، که تعدادشان زیاد هم نیست، به‌طور جدی به بحث نقد پرداخته شده است.

تعاریف مختلفی از نقد از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. دکتر علی شریعتمداری در مقاله «انتقاد کتاب»، نقد را بررسی دقیق کتاب و ذکر محاسن و معایب آن می‌داند؛ محمدعلی سلطانی در مقاله «شیوه نقد کتاب»، نقد را واریسی و بررسی نوشتار برای شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نبایستگی، بودها و نبودها و درست‌ها و نادرستی‌ها می‌داند؛ و عبدالحسین زرین‌کوب در مقاله «نقد و ناقد»، نقد را شناخت ارزش و بهای اثر ادبی و شرح و تفسیر آن به‌نحوی که معلوم شود نیک و بد آن آثار چیست؟ و منشأ آنها کدام است؟ تعریف می‌کند. اگر به این تعاریف و دیدگاه‌های منتقدان دیگر نگاهی داشته باشیم، درمی‌یابیم که نقد علاوه بر اینکه نارسایی‌ها و کاستی‌های اثر را می‌نمایاند، نقاط مثبت و امتیازات آن را نیز نمایان می‌سازد. اگر در نقد، به‌طور واقع‌بینانه‌ای از خوبی‌های کتابی گفته نشود و منتقد بر این باور باشد که امتیازی در اثر نیافته است، مشخص می‌شود که اثر ارزش نقد را نداشته است. البته در مواقعی برخی از آثار کم‌مایه را با هدف جلوگیری از هدررفتن سرمایه ملی و معنوی جامعه و نیز گمراهی جامعه نقد می‌کنند که بحث آن جداست و در این مقال نمی‌گنجد و خود حدیثی است مفصل.

در این مجال قصد پرداختن به ویژگی‌های نقد و نقادی را ندارم، آنچه لازم می‌دانم اشاره کنم این است که گاهی چنین تصور می‌شود که نقد یک نوشته ارزش آن را پایین می‌آورد و همین مسئله باعث می‌شود که بسیاری از نویسندگان نقد کتابشان را بر نتابند و آن را ناشی از دشمنی با خود تلقی کرده و تصور کنند که نقد از ارزش زحمات و دانش آنها در جامعه کاسته است، در حالی که واقعیت جز این است. نقد نه تنها از ارزش اثر نمی‌کاهد، بلکه بر ارزش آن نیز می‌افزاید و چه بسیار کتاب‌هایی که نقد آن، خواننده را به خواندن آن ترغیب کرده است.



اگر نقدی دربارهٔ برخی از نوشته‌ها تأثیر بسیار منفی داشته باشد که به‌ندرت این اتفاق رخ می‌دهد. آن نه به‌دلیل نقد اثر بلکه به‌سبب آن بوده که آن نوشته ارزش توجه منتقدان را نداشته است و اگر آن اثر نقد نمی‌شد، زودتر از کانون توجه اهل کتاب و قلم به‌دور می‌ماند. اما ارزش کتاب‌های مهم نه تنها با نقد آنها کاسته نمی‌شود، بلکه بر ارزش آنها نیز افزوده می‌شود و نویسندگان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. نتیجه اینکه نقد به بالندگی و پویایی نوشته کمک می‌کند و نویسنده و ناشر را تشویق می‌کند که در افزایش محاسن و رفع معایب آن بکوشد و در چاپ‌ها و نوشته‌های بعدی آثار ارزشمندتری به بازار روانه سازند.

انتشار نقد در مجلات از جمله کتاب ماه کلیات، با وجود تلاش در رسیدن به نقد مطلوب، که هنوز با آن بسیار فاصله داریم، برای بهبود و باروری نوشته‌ها و آثار علمی منتشرشده و کمک به بحث انتخاب کتاب است. برای رسیدن به شیوه مطلوب‌تر لازم است تا متخصصان پیشکسوت و کهنه‌کار دست از ملاحظات بردارند و با ورود به این میدان پرتنش، نقد کنند و نقد شوند.

همان‌طور که نقد به توسعه و کمال آثار علمی کمک می‌کند، خود نقدنویسی نیز اگر به محک آزمون نیاید رشد نخواهد کرد. با توجه به جوان بودن نقد در ایران و نیز دشواری‌های پذیرش آن به‌علت ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان که از هرگونه نقدشدن بیزاریم، برای اینکه بتوانیم تأثیرگذار باشیم، باید ضمن توجه به مقوله نقد کتاب‌های منتشرشده (و همچنین اقدامات صورت‌گرفته) از سوی عالمان، متخصصان و صاحب‌نظران، به نقد نقدها نیز پردازیم. نقد نقد باعث می‌شود که آموزش نقد نیز صورت گیرد و بر توانایی‌های نقدنویسان افزوده شود و به رشد و بالندگی نقد کمک کند و منتقدان را نیز بیاموزد که با نگاه عمیق‌تری به نقد و بررسی آثار پردازند.

در پاسخ به این نیاز، کتاب ماه کلیات از دیدگاه‌های انتقادی پدیدآورندگان آثار و صاحب‌نظران دربارهٔ نقدهای منتشرشده در نشریه استقبال می‌کند و نسبت به انتشار آنها همت خواهد گماشت.

داریوش مطلبی